

پیش‌خواران

نظری و گذری

بر یادمان شهید وحید زمانی نیا

برای او

که طریق جاودانگی را پیمود

■سمانه صادقی



کاظمی، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای ناشر درباره محتوای این کتاب، به نکات ذیل اشارت برده است: «من محافظ حاج قاسم، خاطرات شفاهی پاسدار شهید وحید زمانی نیا، از محافظان همراه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد، توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. این اثر ارزشمند که در قالب داستان مینی‌مال (داستان کوتاه) به نگارش درآمده، به خاطرات شفاهی شهید، از خانواده، دوستان، همکاران و هم‌زمان پرداخته است. این کتاب یکی از مجموعه کتاب‌های محافظان آسمانی است، که برای سه تن از محافظان همراه با شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد، به نگارش درآمده است. شهید وحید زمانی نیا در سال ۱۳۷۱، در استان تهران و در خانواده‌ای انقلابی دیده به جهان گشود. زندگی در محله شهرری و در جوار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، از همان کودکی وحید را شیفته اهلبیت(ع) نمود. وحید از دوران جوانی تصمیم گرفت، باتوق خودسازی و تهذیب نفسش را حرم سیدالکرم قرار دهد. به طوری که هرگاه در تهران بود، شب‌های جمعه خودش را به بارگاه ملکوتی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) می‌ساخت. وحید عاشق دستگاه پر برکت سیدالشهدا(ع) بود، به طوری که تمام اوقات غیر کاری‌اش را، در هیئت‌های مختلف شهر تهران می‌گذراند. علاقه ویژه‌اش به روضه‌های آسمانی حاج منصور راضی، از او شخصیتی متعبد و دلبسته حرم آل الله ساخته بود. از زمانی که لباس مقدس پاسداری را بر تن کرد، مدافع حرم حضرت زینب(س) شد و بارها و



➤ پاسدار شهید وحید زمانی نیا

بارها به سوره ی رفت، تا شاید مردگر به‌ها و جهادش را از بی‌بی زینب بگیرد، ولی خدا برای او سرنوشتی دیگری را رقم زد. او با اینکه کشش کم بود، ولی خیلی زود محافظ سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی شد. جهاد در کتاب حاج قاسم، او را به لحاظ معنوی در عالی‌ترین مرتبه قرار داد، با اینکه تازه داماد بود و همسرش انتظار رفتن به خانه بخت را می‌کشید، ترجیح داد تا به جای رخت دامادی، در کنار حاج قاسم راه آسمان را انتخاب کند. سرانجام وحید زمانی نیا در کنار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و در فرودگاه بغداد، توسط پهبادهای تروریست‌های امریکایی دعوت حق را لبیک گفت و با پیکری تکه تکه، به استقبال اربابش امام حسین(ع) شتافت…

بخشی از «من محافظ حاج قاسم»، به قرار بی‌آمده است: «سال ۹۴ و در جریان آزادسازی حلب، عازم مناطق عملیاتی شد. داشش عوامل تکفیری، از گازهای شیمی‌ای استفاده کرده بودند و عده‌ای از مدافعان حرم به علت استقرار طولانی، دچار عارضه شیمیایی شده بودند. شنیدم که دو، سه ماه، غریبانه به سر برده‌اند.

می‌گفتند: اوضاع نیروها اسفناک بوده و بی‌وزی محظلات سختی را سپری کرده‌اند. به دلیل شرایط ویژه منطقه، قادر به تهیه غذا و آب نبودند و دسترسی به امکانات بهداشتی نداشتند. در لطف خدا بعد از مدتی، از این وضعیت نجات پیدا می‌کنند. خیلی از زندمگان، شیمیایی شده بودند. یک روز ایلاغیه آمد؛ آنها ای که در آزادسازی حلب و حومه بودند، بروند تست بدهند، تا از سلامت و یا در صد شیمیایی ریه آگاهی پیدا کنند و اگر لازم به درمان است، در مان را آغاز نمایند. به وحید گفتم، که جریان این است. گرفت به شوخی و خنده، که سمت ما خبری نبود! گذشت تا اینکه در سال ۹۷، مأموریتی در سوره تمام شد و برگشت به ایران. از همان موقع، محافظ سردار سلیمانی شد. حالا که آمده بود، بیشتر همدیگر را می‌دیدیم. سرفه می‌کرد، آبریزش بینی داشت و بی دلیل اشک‌هایش سرازیر می‌شد. می‌گفت: چیزی نیست!…»



طرحی شمسوی به خواجه نصیرالدین طوسی

نگاهی به مجاهده شاعران عصر ایلخانی و تیموری

برای گسترش تفکر تشیع در ایران

شعر به مثابه ابزاری برای جهاد در دوره‌های خطیر

■ **انوشه میرمر عشی**

شعر به عنوان زیبا‌ترین و جذاب ترین معارف ادبی، جایگاه ویژه‌ای در انتقال مفاهیم و معارف دینی دارد. از آنجا هم که حضرات معصومین از رسول‌الله (ص) تا امام جواد(ع)، مشوق و ترغیب‌کننده شاعران شیعه برای گسترش اندیشه تشیع و معارف آن بوده‌اند، در قرون بعد هم شاعران شیعه، انگیزه‌ای قوی برای سرودن در این موضوع داشته‌اند. در تاریخ ایران بعد از اسلام، یکی از مقاطعی که شاعران شیعه در آن تحرکی وسیع و پرم‌ثر برای گسترش معارف شیعه از خود نشان داده‌اند، دوره ایلخانان مغول و تیموریان بوده است. در مقال پی آمده نگاهی تاریخی داشته‌ایم به تلاش شاعران برجسته شیعه این دو دوره تاریخی در انتقال مفاهیم و معارف تفکر تشیع در ایران. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **فعالیت تبلیغی عالمان و شاعران شیعه**

در دوران تسلط مغولان

بعداز ورود اسلام به ایران و تا قبل از حمله چنگیزخان مغول به کشورمان در سال ۶۱۶ هجری قمری، سلاطین ایران (به غیر از آل بویه)، تحت تأید ر کاب حاکم قاسم، او را به لحاظ معنوی در عالی‌ترین مرتبه قرار داد، با اینکه تازه داماد بود و همسرش انتظار رفتن به خانه بخت را می‌کشید، ترجیح داد تا به جای رخت دامادی، در کنار حاج قاسم راه آسمان را انتخاب کند. سرانجام وحید زمانی نیا در کنار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و در فرودگاه بغداد، توسط پهبادهای تروریست‌های امریکایی دعوت حق را لبیک گفت و با پیکری تکه تکه، به استقبال اربابش امام حسین(ع) شتافت…

بخشی از «من محافظ حاج قاسم»، به قرار بی‌آمده است: «سال ۹۴ و در جریان آزادسازی حلب، عازم مناطق عملیاتی شد. داشش عوامل تکفیری، از گازهای شیمی‌ای استفاده کرده بودند و عده‌ای از مدافعان حرم به علت استقرار طولانی، دچار عارضه شیمیایی شده بودند. شنیدم که دو، سه ماه، غریبانه به سر برده‌اند.

می‌گفتند: اوضاع نیروها اسفناک بوده و بی‌وزی محظلات سختی را سپری کرده‌اند. به دلیل شرایط ویژه منطقه، قادر به تهیه غذا و آب نبودند و دسترسی به امکانات بهداشتی نداشتند. در لطف خدا بعد از مدتی، از این وضعیت نجات پیدا می‌کنند. خیلی از زندمگان، شیمیایی شده بودند. یک روز ایلاغیه آمد؛ آنها ای که در آزادسازی حلب و حومه بودند، بروند تست بدهند، تا از سلامت و یا در صد شیمیایی ریه آگاهی پیدا کنند و اگر لازم به درمان است، در مان را آغاز نمایند. به وحید گفتم، که جریان این است. گرفت به شوخی و خنده، که سمت ما خبری نبود! گذشت تا اینکه در سال ۹۷، مأموریتی در سوره تمام شد و برگشت به ایران. از همان موقع، محافظ سردار سلیمانی شد. حالا که آمده بود، بیشتر همدیگر را می‌دیدیم. سرفه می‌کرد، آبریزش بینی داشت و بی دلیل اشک‌هایش سرازیر می‌شد. می‌گفت: چیزی نیست!…»

به گفته علاءالدوله، وی در یکی از جنگ‌ها و در همراهی با سلطان وقت، به ناگاه در حالتی قرار گرفت که صحنه قیامت و آخرت را مشاهده کرد و بعد از آن از همراهی با حکومت توبه نمود و مشغول تدریس و انجام عبادات شد. این تغییر روش، او را به عارفی مشهور در زمانه خود بدل کرد. علاءالدوله عرفانی را ترویج می‌کرد که اندیشه صوفی گرایانه در آن کمرنگ بود



مقبره شیخ علاءالدوله سمنانی در روستای صوفی آیدستان

■ **باد پیوسته نور حق نازل**

مؤمنان را نصیب ازو حاصل.^(۱)

اما یکی از شاعران برجسته شیعه در دوران مغول، ابن یمین بوده است. امیر فخرالدین محمود بن امیر یمین الدین محمد طغرائی معروف به «ابن یمین»، در سال ۶۸۵ ه‍. ق، در روستای «قریومد» در منطقه جوین خراسان به دنیا آمد. پدرش از استادان نظم و نثر، در زمان خویش بود. ابن یمین که دست پرورده پدری فاضل و اهل علم بود، از سال‌های جوانی به سرودن شعر پرداخت. دوران جوانی ابن یمین، در روزگار پر آشوب سلطه مغولان بر ایران گذشت. او در دوران سلطنت سلطان محمد خدابنده در خراسان، مورد عنایت وزیر دانشمند سلطان یعنی خواجه علاءالدین محمد قرار داشت. اما با مشاهده ظلم و ستم مغولان بر مردم ایران، نتوانست راه سکوت و انفعال در پیش بگیرد. وی به دلیل اعتراضاتش به رفتار حکام منصوب مغولان در ولایت خراسان، مدتی به زندان افتاد. اما پس از آن و با قدرت گرفتن «سر به داران»، به قیام آنها پیوست. سر به داران، جمعی از بزرگان شیعه مطلقه خراسان بودند، که بر مسئله ولایت و جهان بینی مهدویت، جدایی ناپذیری دین و دولت از یکدیگر و مبارزه با ظلم و ستم، علیه مغولان قیام کردند. از این روی ایشان را سربدار خوانده‌اند، که می‌گفتند: «گر خداوند ما را توفیق دهد، رفع ظلم و دفع ظالمان می‌کنیم و الا سر خود را بر دار اختیار داریم و تحمل جور و ستم نداریم.»^(۲)

ابن یمین که خود شیعه بود، با پیوستن به سر به داران، در پی مبارزه با ظلم و ستم مغولان روان شد. اشعار او در منقبت اهل بیت(ع) و به ویژه مرتبه‌هایش در سوگ شهدای کربلا، تهییج‌کننده مبارزان سر به دار برای جهاد با مغولان بود. ابن یمین قصیده سرا بود، اما می‌توان او را یکی از بزرگان قطعه‌سرایی ایران نامید، که برخی از اشعارش در این قالب، جزء شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌آید. اشعاری چون:

در سخا بود از دل و دستش خجل دریا و کوه این سخت دارد مصدق هر که خواند «هل اثی» بعد از دره را دین گر پیشوا خواهی گرفت

بهتر از اولاد معصومش نیایی پیشوا

کیستند اولاد او، اول حسن، آنکه حسین آنکه ایشان را نبی فرمود امام و مقتدا

او همچنین، در قصیده معروفی سروده است:

در طریق دین به هر کس اقتدا فرهنگ نیست گر کنی باری به معصومان کن‌ای دل اقتدا هر چه من کابین یمنین کرده ام عصیان بسی لیک می‌دام توقع زانکه هستم بی‌ریا

دوستدار خاندان مصطفی و مرتضی کایزد از لطف و کرم بخشد بدان پاکان مرا

ابن یمین در روستای خود فریومد، در سن ۸۰ سالگی، در سال ۷۶۹ ه‍. ق، درگذشت.^(۳)

■ **در خوشش شاعران شیعه عصر تیموری**

بعداز ضعف ایلخانان مغول و سربرآوردن قدرت‌های محلی در جای جای ایران، تیمور لنگ به فکر سلطه بر کل ایران و پادشاهی بر آن افتاد. از آنجا که تیمور و فرزندانش گرایش به تشیع داشتند، در دوره تیموران (۷۷۱ تا ۹۱۳ هجری قمری، او آموزه‌های مکتب تشیع بیش از پیش در ایران گسترش پیدا کرد. در آن دوران شاعران شیعه

مذهب با سرودن دیوانهایی سرشار از باورهای شیعی، مدح و منقبت امامان دوازده گانه، در کنار رعایت ادب و تسامح نسبت به باورهای اهل سنت از یک سو و شاعران اهل سنت، سرودن اشعار فراوان در مدح و منقبت امامان و ستایش حدائق خلایق سه گانه از نسوی و دیگر، نقش مؤثری در پیدایش و تحکیم باورهای شیعه و گسترش این مذهب در ایران داشتند.^(۴)

یکی از آن شاعران خوش قریحه که چند سال پایانی عشرش را در دوره تیموریان گذراند و اشعارش ترویج‌دهنده تفکر شیعی بود، «سلمان ساوجی»(است. جمال‌الدین، سلطان یسن علاءالدین محمد، در دوره ایلخانان به دنیا آمد و پدری اهل فضل و دیوانی داشت. او هم مانند پدر، از طبع شعر بر خوردار بود. سلمان در درجه اول، قصیده‌سرا بود و در درجات بعدی، در سرودن غزل، قطعه، رباعی و مثنوی هم دستی داشت.

او مضامین عارفانه غزل‌هایش آنقدر بلند بود، که خواجه شمس الدین حافظ شیرازی از آنها تأثیر پذیرفته است. قصاید او در مدح پیامبر(ص) و اشعاری که در مدح امیرالمؤمنین(ع) و رثای حسین بن علی(ع) دارد، از اعتقادات عمیق شیعی او حکایت می‌کند. او شعر مشهوری در رثای امام حسین(ع) دارد، که بخشی از آن به ترتیب پی آمده است:

روضه پاک حسین است این زلف مشک حور خویشتن را بسته بر جاروب این جنت سراسر کوری چشم مخالف، من حسینی مذهبم راه حق این است و نتوانم نهفتن راه راست و یا شعر:

این منم در بارگاه مقتدای انس و جان با قصور عجز خود را منقبت خوان یافته این منم بر آستان فخر آل مصطفی رتبت «حسانی» و مقدار «سلمان» یافته حجت قاطع، امام حق، امیرالمؤمنین بحر دانش، کان مردی، لطف رب العالمین.^(۵)

همچنین یکی دیگر از شاعران شیعه در آن دوران، «علاءالدوله سمنانی» بود. او در سال ۶۵۹ ه‍. ق، در یک خانواده مآلاک و زمین دار به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره مکتب، در بازنده سالگی به خدمت سلطان ارغون در آمد. وی در زمان اباقا و ارغون‌شاه ایلخانی و به مدت ده سال، دارای مشاغل دیوانی و سیاسی مهم بود، تا اینکه در یکی از جنگ‌ها که

۹جوان | شماره ۲۳۷۳

او نیز همراه سلطان بود، اتفاق عجیبی برایش رخ داد. به گفته علاءالدوله، به نساگاه در حالتی قرار گرفت، که صحنه قیامت و آخرت را مشاهده کرد و بعد از آن از همراهی با سلطان توبه نمود و مشغول تدریس، انجام عبادات و قرائت قرآن شد. این تغییر روش، او را به عارفی مشهور در زمانه خود بدل کرد. علاءالدوله در میان عرفای دوره خود از آن جهت شهرت دارد، که با عرفان ابن عربی مخالف بود و عرفانی را تبلیغ و ترویج می‌کرد، که اندیشه صوفی گرایانه در آن کمرنگ بود. جالب است که او به دلیل نگاه شیعی، مروّج عرفان مورد نظر اهل بیت(ع) بود. از علاءالدوله، اشعار زیادی در مدح و منقبت خاندان پیامبر(ص) باقی مانده است. چنانچه از اشعار اوست:

«حسن با حسین، فاطمه با علی

بُند بر یسار و یمین محمد

تولابدیشان کن از مؤمنی

تبرّا از اعداء دین محمد

دلدل من همت و دلق مرقع درع من

ذکر حق ذوالفقار و نام او چون مغفرم

ز حسن خشن بر خوری و ز حسین

شوی در معارف، امین محمد

کمال حسن خلق اندر حسن دان

وافاندر شهید کربلا بین

شجاعت را تو از باقر بیاموز

ز زین العابدین جود و سخا بین

به جان و دل، علی موسی الرضارا

تحقق دان و از اهل بقا بین

مقام زهد و تقوی از تقی جو

در احوال نقی زب و بها بین

جمال مهدی از خواهی ببینی

نگه کن در دل و نور خا بین.^(۶)

■ **دهقان شاعری که مدح اهل بیت می‌گفت**

مولانا محمد بن حسام‌الدین حسن بن شمس الدین محمد خوسفی متخلص به «حسام»، در سال ۷۸۳ هجری قمری، در روستای خوسف در منطقه قهستان (خراسان جنوبی) به دنیا آمد. خاندان او تائۀ پشت، از اهل فضل و علم و ارشاد بوده‌اند و پدر بزرگش شمس‌الدین زاهد، به پارسایی و عبادت معروف بوده‌است. حسام خوسفی اعتقاد داشت، که باید از دسترنج خود روزی به دست بیاورد. چنانچه دولتشاه سمرقندی درباره اش گفته است: «از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو بستنی و صباح که به صحرا رفتی، تا شام اشعار خود را بر دسته‌بیل جوبی…» آرامگاه ابن حسام خوسفی یا همان فردوسی ثانی در شهر خوسف، امروزه بر بلندای یک تپه و در کنار رودی در میان دشت باصفایی واقع شده و دیوان او، شامل اشعاری در قالب‌های قصیده، ترجیع‌بند، مسمط و ترکیب‌بند است. خاوران نامه او که بر وزن شاهنامه سروده شده، تماماً در فاضل امیرالمومنین(ع) است. خوسفی، در قصیده‌ای در مدح پیامبر اعظم(ص) سروده است:

■ **کلام آخر**

از آنجا که ایرانیان در طول سده‌های گذشته، همیشه علاقه وافری به ادبیات و شعر داشته‌اند، شیعیانی که از تبع لطیف بر خوردار بوده‌اند، از این قالب ادبی برای گسترش تفکر و اعتقادات شان بهره برده‌اند. ابزاری که شاید در کوتاه مدت کم اثر نبماید، اما در بلند مدت از بسیاری از ابزارهای نظامی و سیاسی، برای تحقق اهداف فر هنگی و اندیشگی موثر تر بوده و همچنان هست. در واقع صوری و ظرف نگری اهل علم و فضل – که طبع شاعرانه داشته‌اند – در طول دوره ایلخانان و تیموریان موجب شد، که آنها نتوانند با ابزار شعر، زمینه شیعه شدن اکثریت مردم ایران را به شکل رسمی برده‌اند. ابزاری که در دوران صفویه فراهم کنند. گرچه باید در نظر گرفت که پیمودن این راه طولانی، برای آن شاعران بی خطر نبوده و زحمات‌های فراوانی را هم برایشان ایجاد کرده است. اما استقامت شان در آن مسیر، اهداف شان را برای گسترش تفکر تشیع به ثمر رسانده و آیندگان را از آن بهره مند ساخته است.

منابع:

۱- «دوانی، علی، «مفاخر اسلام»، جلد ۱،۴، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۴. ش، صفحات ۹۱،۹۰، ۹۷ و ۱۰۷

۲- احمدی بیرجندی، احمد، «چلوه‌های ولایت در شعر فارسی»(تا سده نهم)، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۰. ش،ص ۱۲۸

۳- همان،ص ۱۸۸

۴- آژند، یعقوب، «قیام شیعی سر به داران»، انتشارات گستره، چاپ اول ۱۳۴۳. ش،ص ۳ و ۲۳

۵- حسینی، سهیلا، مقاله «ابن یمین پرچمدار آیین قوت سربه داران»، وبسته نامه کنگره سربه داران، زمستان ۱۳۹۴. ش

۶- بنی‌السدی و دیگران، محمدرضا و…، مقاله «نقش شاعران در پیدایش و گسترش باورهای شیعه در دوره تیموری»، فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۲۵، مورخ تابستان ۱۴۰۲. ش

۷- منصوری نوری و دیگران، زهره و…، مقاله «بررسی مضامین در غزلیات سلمان ساوجی»، فصلنامه فنون ادبی، شماره اول، مورخ بهار ۱۳۹۷. ش

۸- بیرجندی، صفحات ۲۲۷ و ۲۳۲

۹- واعظی، مدنی، ایسوی، مراد علی- سیده طهیه، مقاله «لحن حماسی در اشعار ا یمنی محمد بن حسام خوسفی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳. ش،ص ۱۶۵ تا ۲۰۲